اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت سی و نهم)

پدیده شگفت انگیز قرآن

عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

روی آن نوزده است.

در جهانی که لبریز از فساد و بدبختی شده است، معجزات و نشانه های خدا برای ایمانداران مایه دلگرمـی و قوت قلب است. خدای مهربان در زمانهای گذشته، با معجزات فیزیکی از نوع تبدیل کردن عصا بـه مـار و زنده کردن مردگان و دو نیمه کردن دریا، به ایمانداران دلگرمی و به گمراهان هشدار میـداد. دلگرمـی و ایمان ناشی از مشاهده یک معجزه آنچنان شوق و هیجانی در دل هدایت یافتگـان ایجـاد مـی نمـود کـه

ساحران دربار فرعون با تمام خطراتی که پیش روی آنان بود، تصمیم به ایمان آوردن می گیرنـد. آنـان از جان و موقعیت خود گذشتند. دقیقا به همین دلیل برای جوامع قرن بیست و یک هم معجزه و نشانه لازم است. آنچه که در قرن بیست و یک خودنمایی می کند، کامپیوتر و ریاضیات اسـت؛ پس باید خدا معجزه اش را از این نوع برگزینـد. معجـزات پیشـین فقـط بـه تعـداد محدودی مشاهده شد و همچنین فقط برای آن زمان بود و مهمتر از همه، فقط عـده معـدودی توانسـتند آن را مشاهده کنند. برخلاف آنچه که بعضی از مردم فکر می کنند، خـدای مهربـان مـردم روی زمـین را تنها نگذاشته است. آن قادر مهربان کتابی نازل نموده است که معجزه های داخل این کتاب بوسـیله همـه مردم جهان در هر زمانی قابل مشاهده است. ادبیات و طرز بیان کلمات و آیات قـرآن بـرای اعـراب زمـان پیامبر معجزه بود و آنان از آوردن حتی یک سوره عاجز بودند؛ این نـوع معجـزه ادیبـان و شـاعران را بـه مبارزه می طلبید و تا هزار و چهارصد سال ادامه داشـت و همچنان هم ادامه دارد؛ امـا خـدای قـادر توانـا نـوع دیگـری از معجـزه فیزیکی را در قرآن جاسازی کرده است که تکنولـوژی قـرن را بـه مبـارزه مـی طلبـد. ایـن نـوع معجـزه، ریاضیات قرآن است. فقط یک عرب و یا فرد خبره در عربی میتواند در تحدی زبـان عربـی قـرآن

شـرکت کند؛ اما ریاضیات زبان مشترک جهانیان است و به لهجه و قوم خاصـی تعلـق نـدارد. هـیچکس نمیتوانـد بگوید ۲+۲ نمیشود چهار. به این طریق ریاضیات زبانی است کـه خـدا از آن طریـق تکنولـوژی روز را بـه مبارزه می طلبد. چقدر لذت بخش است، اگر متوجه شویم که خدا بـرای مـا (مـردم قـرن بیسـت و یـک) حرف می زند و معجزه می فرستد، آیا در این جهان پر از آشوب و گناه، ایـن مایـه خوشـحالی و دلگرمـی شما نیست؟! ساحران در زمان موسی، با مشاهده معجزه موسی، تکنولوژی زمان خویش را حقیـر شـمردند و به آغوش خدا بازگشتند. خدا به سادگی ، اراده خویش را بر کرسی می نشاند، هدف خدا از ارائـه معجـزات، کوبانـدن میخ یکتاپرستی برای مردم جهان است و او به طور قطع و یقین با قدرت تمام آن را به انجام مـی رسـاند. با نگاهی ساده به تاریخ، میتوان این موضوع را متوجه شد. معجزه خدا هیچوقت شکسـت نخواهـد خـورد، این فقط مردم هستند که در مقابل آن تا مدت محدودی مقاومت می کنند و خود را از برکات آن محـروم می کنند.

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۲۱﴾

خدا مقرر کرده است که حتما من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است (۲۱)

مطمئنا دیده اید که باستان شناسان روی نوشته های یک کتیبه سنگی، تا مـدتها کـار مـی کننـد تـا کـه معانی کلمات آن را متوجه شوند. در حالی کـه آن کلمـات متعلـق بـه مردمـی کم سـوادتر و قـدیمی تـر از خودشان است. این کار فقط در جهت ارضای حس کنجکاوی انسان صورت می گیرد. اما شما دقت کنیـد که حروفی رمز گونه در یک کتاب که ۱۴۰۰ سال پیش جمع شده اسـت، بکـار بـرده شـده اسـت، و ایـن حروف هیچوقت متاسفانه مورد توجه یک باستان شناس قرار نگرفته اسـت. چـرا؟ در قـرآن در اوایـل ۲۹ سوره، حروفی در ظاهر بی معنی (مثل الم و ق و عسق و کهیعص) ذکر شده است. اهمیت این حروف از آنجا روشن میشود که این حرفها نوشته یک انسان نیست و در ادامه ثابت میشود که کار یک انسان نمـی تواند باشد.

چنین حروف رمزگونه ای تابحال در هیچ کتابی یافت نشده است. آیا یک باستان شناس و یـا عـالم قـرآن نباید به راز و رمز چنین حروفی اهمیت دهد؟ اما واقعیت چیز دیگری است و آن این است که آنها قادر بـه انجام این کار نبوده اند. در طول این هزار و چهارصد سال، کشف این راز از توان آنان خـارج بـوده اسـت. در طول هزار و چهارصد سال کسی به فکرش نرسید که تعداد حرف "ق" را در سوره قاف بشمارد،

شـاید بین این حرف و تعداد تکرار آن حرف رمزگونه در آن سوره ارتباطی موجود باشد! با یـک شـمارش دقیـق متوجه خواهید شد که تعداد حرف ق در سوره قاف ۵۷ حرف است. ممکـن اسـت کـه در حـین شـمارش اشتباه کنید و مثلا ۵۵ و یا ۵۶ حرف بدست آورید . اما این خاصیت یک انسـان اسـت و حـواس پنجگانـه انسان آنقدرها هم نمی تواند دقیق باشد. اما اگر از یک ابزار دقیـق مثـل کـامپیوتر اسـتفاده کنیـد، چنـین اشتباهی رخ نخواهد داد.

تعداد حرف ق در سوره قاف = ۵۷ = ۳×۱۹

تا اینجا متوجه خواهیم شد که تعداد حرف ق در سوره قاف ضریب نوزده است. بیایید تعداد تکرار را بـرای چند حرف مقطعه دیگر هم حساب کنیم. سوره مریم با کهیعص شروع شده است. در اینجـا واقعـا بایـد از کامپیوتر استفاده کنیم، زیرا قطعا اشتباه رخ خواهد داد. با کـامپیوتر تعـداد پـنج حـرف کهـیعص در سـوره مریم ، ۷۹۸ حرف است. اما جالب این است که تعداد این حروف هم مضربی از نوزده است.

۴۲ ×۱۹ = ۷۹۸

بیایید تعداد عسق در سوره ۴۲ را هم شمارش کنیم. جالب این است که عسق در سوره ۴۲ به تعـداد ۲۰۹ است.

۲۰۹= ۱۹×۱۱ اگر تعداد یس را برای سوره یاسین بشماریم، ۲۸۵ (۱۹×۱۵) حرف بدسـت مـی آیـد کـه بـاز هـم ضـریب نوزده است. تا اینجا متوجه خواهیم شد که تعداد حروف مقطعه در این سوره ها مضرب نوزده اسـت. اگـر تعداد حروف مقطعه برای یک یا دو سوره مضربی از نوزده بود، شاید بتوان گفت که اتفاقی است. امـا ایـن خاصیت برای تمام ۲۹ سوره صادق است.

هیچ باستانشناسی نمی تواند بگوید که این خاصیت بی اهمیت است و او نمی تواند بـدون توجـه از کنـار آن رد شود. یک انسان مثل پیامبر محمد نمی تواند چنین خاصیتی را در قرآن رعایـت کـرده باشـد. شـما خودتان اگر تعداد حرف ق در سوره قاف را شمرده باشید، به احتمال زیاد چنـدین بـار شـمردید و هـر بـار عددی بدست آوردید؛ نهایتا بعد از چندین بار شمارش به نتیجه مطلوب رسیدید! پس حتـی شـمارش آن هم از توان حواس پنجگانه انسان خارج است، چه برسد به اینکه برای یک کتاب چنین خاصـیتی رعایـت شود! شمارش چند حرف در یک کتاب با نگارش کتابی با چنین خاصـیتی خیلـی متفـاوت اسـت و تفاوت از زمین تا آسمان است. پیـامبر محمد نمی تواند چنین قاعده ای

را در قرآن رعایت نمـوده باشـد، پـس مطمئنـا کـار یـک قـدرت مـافوق بشری است. اگر همین حالا به شما بگویند که یکی از آثار ادبیات جهان دارای چنین خاصیتی است، شـما فورا کتاب را خریده و آن را آزمایش می کنید؛ اما چرا برای یک کتاب آسمانی چنین توجه و اهمیتـی داده نمی شود؟ متاسفانه این خاصیت یک انسان است که نسبت به خالق خویش ناشکر و ناسپاس اسـت. اگـر مضرب نوزده در یکی از کتابهای مشهور ادبیات جهان کشف میشد، همـه آن را تحسـین مـی کردنـد امـا برای کتاب خدا چنین نمی کنند. آیا شایسته است که انسان نسبت به خالق خویش تا این انـدازه بـدبین و بی توجه باشد؟! بیشتر مردم متاسفانه در کتابهای شعر غرق شده اند و ابیات آن را برای تفریح میخوانند و شب شعر می گذارند و قافیه و ردیف جور میکنند ولی برای کتاب آسمانیشان چنین کنجکاوییهایی را انجام نمی دهند و حتی به آن بی توجه هستند.

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾

آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می کند (٧٨)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾

و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (٧٩)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾
و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد (٨٠)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾
و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند (٨١)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾
و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید (٨٢)

بیشتر کسانی که قرآن را کتاب آسمانی خویش می دانند، با اطلاع از این معجزه بسیار عظیم در قرآن، از کنار آن بسادگی رد میشوند و آن را بی اهمیت می پندارند. آنها با حالتی منصحانه می گویند که قرآن کتاب خواندن است نه کتاب ریاضیات! این گفته آنان دقیقا مثل این است که بوجود آمدن آسمانها و زمین را شانسی فرض کنیم. حتما از نظر آنان مار شدن عصا و نورانی شدن دستها هم شعبده بازی بوده است!

با این اوصاف افراد بدبین به خدا، فورا با شمارش الف لام میم (الم) ، می گویند که معجزه نوزده صحیح نیست! آنان می گویند که این قاعده (ضریب نوزده بودن حروف مقطعه) برای سوره های دارای الف لام میم صحیح نیست. چنین افرادی با مطرح کردن چنین شبهه ای، فکر میکنند که از دست خدا خلاص شده اند! اما خدا آنان را در آزمایش

بزرگی قرار داده است. قرار است آنها به یکی از نشانه های بزرگ خـدا ایمان آورند و یا نیاورند! این دوراهی برای همه آنها پهن شده است. آنان قرار است مثل مردم زمان موسی و عیسی تست شوند و نشانه های خدا را رد کنند و یا قبول کنند. اما در مورد سوره های دارای الف لام میم، باید عرض شود که از آنجا که در بعضی کلمات در نسخ قـرآن در مورد الف اختلاف پیش آمده است و برای بعضی کلمات تعدادی الف اضافی گذاشته شده اسـت (مـثلا بعضی ها کلمه الانسان را با الف و بعضی ها بدون الف (الانسن) نوشـته انـد)؛ اختلافـاتی در ایـن مـورد وجود دارد ولی به هیچ عنوان خدشه ای به معجزه ریاضی نوزده وارد نمی کند. آنها که در مورد شـمارش الف لام میم مشکل دارند، آدمهای شکاک و ضد معجزه هستند، زیرا حاضر نیستند که کلمه مثلا الانسـن را بدون الف شمارش کنند و آنها عمدا این کلمه را به صورت الانسان شمارش می کنند و نهایتـا تصـمیم خودشان مبنی بر بازی ریاضی بودن معجزه نوزده را می گیرند. البته آنها از قبـل هـم چنـین تصـمیمی را گرفته بوده اند و در معجزه نوزده فقط آشکارش کردند. مهمترین نتیجه اعتقاد به نوزده، نسبت داده شـدن تمام حروف و کلمات قرآن بخداست. خدا در قرآن خیلی بر آسمانی و خدایی بودن قرآن تاکید دارد و ایـن با معجزه نوزده نهایی میشود. شاید یک مسلمان قبلا هم می دانست که قـرآن

اثـر خداسـت، ولـی بـرای یک غیر مسلمان و نسل جدید و جوان ناآشنا با قرآن بسیار مهم است کـه نشـانه ای ریاضـی بـرای همـه ملل دنیا از طرف خدا نازل شده باشد. زیرا ریاضیات زبان مشـترک تمـام جهـان اسـت و بـه نـژاد و قـوم خاصی مربوط نمیشود. اگر ملل دیگر کلمات عربی قرآن را نمی فهمند و اعجاز ادبی قـرآن را درک نمـی کنند؛ اما تعداد حروف قرآن بوسیله کامپیوتر(حتی برای کسانی کـه هیچـی از عربـی بلـد نیسـتند) قابـل شمارش است. کسانی که به قرآن ایمان دارند و آن را کتاب آسمانی میدانند؛ نمیتوانند بگویند که نیازی به معجزه ریاضی نوزده ندارند. زیرا خدا آنان را دوباره آزمایش میکند. در واقع معجزه ریاضی نوزده آنان را در تست دانسته های قبلی خود قرار داده است و تحت آزمایش بزرگی قرار دارند.

اولین جمله قرآن بسم الله الرحمن الرحیم است. این جمله بسیار مهـم دارای نـوزده حـرف اسـت. قـرآن دارای ۱۱۴ سوره است و خود ۱۱۴ مضرب نوزده است (۱۹×۶). شما فکر می کنید کـه مشـکل نپـذیرفتن نوزده توسط مسلمانان در شمارش تعداد الف لام میم است؟ اگر اینطور فکر میکنید، اشتباه است. همـه میداننـد کـه اولین جمله قرآن بسم الله الرحمن الرحیم دارای نوزده حرف است. بعد از کشـف معجـزه ریاضـی قـرآن توسط رشاد خلیفه، ۳۸ نفر از علمای بزرگ عربستان برای

بررسی همـین موضـوع، یـک جلسـه تشـکیل دادند و طی این جلسه مشترک اعلام کردند که بسم الله الرحمن الرحیم نـوزده حـرف نیسـت، بلکـه ۱۸ حرف و یا ۲۰ حرف و یا ۲۱ حرف است، ولی نوزده نیست! واقعا آدمی تا چه اندازه می تواند بـی انصـاف باشد! اما بیایید منصفانه تعداد حروف این جمله مهم را شمارش کنیم:

بسم				الله					الرحمن							الرحیم					
ب	س	م		ا	ل	ل	ه		ا	ل	ر	ح	م	ن		ا	ل	ر	ح	ی	م
۱	۲	۳		۴	۵	۶	۷		۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳		۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹

پس نتیجه می گیریم که رد کردن نشانه های خدا دلایل دیگری میتواند داشته باشد. حتما معجزه خـدا از مردم چیزهای دیگری هم می خواهد که برای آنها ناخوشایند است. آیا تبدیل شـدن عصـا بـه مـار، فقـط برای خوشحالی بینندگان بود؟ آیا شتر صالح فقط یک حیوان عجیب الخلقه بود؟ هر قرنی معجـزه خـویش

را دارد، پیامبر صالح به مردم خود میگفت این شتر یکی از آیـات بـزرگ خداسـت بـرای شـما، بـه او آزار نرسانید. اما مردم که عقاید خود را در خطر میدیدند احساس میکردند فرقه ای که سالها با آن انس

گرفتـه اند و کلی افسانه بافی برای آن کرده اند، در معرض خطر است و سرانجام ناقه را کشتند. به همـین خـاطر مردم آن زمان از شتر کینه خاصی پیدا کردند. شتر آزمایش خدا بود برای آنها. قوم صالح رسول خـدا، در رفاه کامل به سر میبردند، غارهای محکمی از دل کوهها برای خود بوجود آورده بودند سرزمینی کـه آنـان در آن میزیستند مکان خوش آب و هوا و سرسبزی بود، بنابراین خدای مهربان جهت آزمایش آنـان دسـت روی نقطه حساسشان گذاشت. ناقه ای فرستاد تا که به آنان ثابت کند که قوم صـالح بـرای ادامـه هـوا و هوس خود حاضرند هر کاری انجام دهند حتی حاضرند که آیت و نشانه خدا را از بـین ببرنـد! و ایـن کیـد جالبی بود، زیرا خدای مهربان خیلی ساده نهاد درونی آنان را بیرون ریخت. در زمان ما ناقـه صـالح وجـود ندارد، اما ناقه دوران ما معجزه ریاضی قرآن است. همانطور که مشرکین مکه (با توجه به این کـه در شـعر و شاعری در اوج بودند) در مقابل ذوق ادبی قرآن مبهوت شده بودند، پس باید معجزه جاوید همـه زمانهـا در قرن کامپیوتر و الکترونیک به طریقی دیگر خود را بنمایاند، زیرا کـه قـرآن آخـرین کتـاب خـدا بـرای جامعه بشریت است و صددرصد باید دلیل محکمی برای آسمانی بودن خود در قرن کامپیوتر داشته باشـد. تعدادی از مسلمانان با شنیدن معجزه ریاضی ۱۹ عصبانی میشوند! چرا ؟ در یک

جلسه چندین ساعته ۳۸ نفر (۳۸ هم مضرب نوزده است ۱۹×۲) از علمای عربستان تصمیم به ذبح معجزه نوزده می گیرند، ولی معجزه خدا شکست ناپذیر است، یعنی غیرممکن است که خدا کلامش را به کرسی ننشاند.

سیستم ریاضی خارق العاده ایی بر مبنای نوزده در قرآن وجود دارد که از توان بشر و غیر بشر خارج است. درک نشانه ها و آیات خدا، برای افرادی که قلب پاک و صافی دارند باید خیلی ساده باشد. نشانه ها و آیات خدا در هر جایی هستند. آیا میتوان متصور شد که خدا در جهان خلقت امضای خویش را قرار داده باشد تا که ما انسانها یک روزی به آن پی ببریم؟ به نظر شما اگر خدا میخواست امضایی برای خلقتش قرار دهد، چه زبانی را انتخاب میکرد؟ صد در صد خدا هیچوقت تبعیض قائل نمی شود. خدا پروردگار ماست، او برای امضای خویش زبان یک قوم خاص را بر نمی گزیند. پس بنابراین خدا چه روش و زبانی را برای امضاء خویش انتخاب می کند؟ مطمئنا همه قبول دارند که ریاضیات تنها زبانی است که به فرقه خاصی ربط ندارد. ریاضیات زبان علم است. زبان منطق است، در ریاضیات جایی برای سفسطه نیست و تنها زبانی است که نیاز به تفسیر ندارد. حال اگر خدا امضای خویش را با زبان ریاضی روی مخلوقاتش قرار داده است،

این امضاء چطوری است؟ در زبان عربی کلمه الله از چهار حـرف (الـف – لام – لام – ها) تشکیل شده است. ما این چهار حرف را کنار هم قرار می دهیم و کلمـه الله بوجـود می آید. اما در ریاضی ما با ارقام ۱ تا ۹ سر و کار داریم. حال به اعـداد ۱ و۲ و۳ و۴ و ۵ و ۶ و۷ و ۸ و۹ نگاه کنید، به نظر شما چه عدد و یا مجموعه عددی بهتـرین توصـیف بـرای " نشـانه هـا و آیـات خـدا" است؟ در قرآن ذکر شده است که خدا اول و آخر است. خدا آغاز و پایان است. ۱ نشانه آغـاز و ۹ نشـانه پایان است. ۱ و ۹ یعنی ۱۹. در واقع این بهترین توصیف برای آیات خداست با استفاده از ارقام. آیا فکـر نمی کنید که خدا همین عدد ۱۹ را به عنوان امضای خویش بر خلقت برگزیده است؟

اجازه بدهید به دستهای خویش نگاهی بیندازیم. چند استخوان در دستهای ما وجود دارد؟ ۴ انگشـت هـر کدام ۳ قطعه. یعنی ۱۲ قطعه استخوان. انگشت بزرگ دو قطعه استخوان دارد و کف دست هـم ۵ قطعـه استخوان دارد. بنابراین مجموع تعداد قطعات اسـتخوان در یـک دسـت (۱۲+۲+۵ = ۱۹) ، نـوزده اسـت. نوزده امضای پروردگار است. نوزده مضرب مشترک نشـانه هـای خداسـت. اولـین آیـه قـرآن (بسـم الله الرحمن الرحیم) از نوزده حرف تشکیل شده است. آیا این ثابت نمی کند که قـرآن ازطـرف همـان کسـی آمده است که دستهای ما را

خلق کرده است؟ زیرا امضای هر دو یکی است. فقط خردمندان این واقعیـت را درک خواهند کرد.



گالیله دانشمند مشهور می گوید که : ریاضیات زبانی است که خدا بوسیله آن جهان را آفرید. نتایج علمی بر این دلالت دارند که عدد نوزده امضاء پروردگار است بر روی تمام جهان. این امضاء در سراسر جهان پیداست. برای نمونه :

۱. خورشید، ماه، و زمین هر ۱۹ سال یک بار بر روی یک مدار قرار می گیرند.

۲. ستاره دنباله دار هالی، این پدیده عظیم آسمانی، هر ۷۶ (۱۹×۴) سال به منظومه شمسی می آید.

۳ . امضاء پروردگار بر روی بدن ما: انسان دارای ۲۰۹ (۱۹×۱۱) استخوان است. و بدن از ۱۹ نوع سلول مختلف تشکیل شده است.

۴. بیشتر اوقات مدت حاملگی برای یک نطفه کامل ۲۸۰ روز یا ۴۰ هفته بعد از قاعدگی، یا بطور دقیق تر ۲۶۶ روز یا ۳۸ هفته بعد از تخم گذاری است." اعداد ۲۶۶ و ۳۸ هر دو بر ۱۹ بخش پذیر هستند.

خدای مهربان هم قرآن را براساس ۱۹ خلق کرده است. خدای مهربان در یکی از آیات قـرآن ایـده بسـیار زیبایی را برای ما انسانها برجای گذاشته است. آن آیه، آیه ۲۵ سوره کهف است.

آیه۲۵ سوره کهف: آنها در غار خود سیصد سال به علاوه نه ماندند.

خدای توانا به جای عدد ۳۰۹ فرموده است ۳۰۰ به اضافه ۹ . چرا؟ او میتوانست بفرماید "ثلث مائـه سـنین و تسعه" اما خدای حکیم فرموده است "ثلث مائه سنین و ازدادوا تسعا." به این طریق در ایـن آیـه بـه جای عدد ۳۰۹ از دو عدد ۳۰۰ و ۹ استفاده نموده است. به عبارت ساده تر، خدا بجای یـک عـدد (۳۰۹) از دو عدد (۳۰۰ و ۹) استفاده نموده است. ابتدا باید بدانیم که در کل قرآن ۳۰ عدد مختلف ذکر شده اسـت:

۱و۲و۳و۴و۵و۶و۷و۸و۹و۱۰و۱۱و۱۲و۱۹و۲۰و۳۰و۴۰و۵۰و۶۰و۷
۰و۸۰و۹۹و۱۰۰و۲۰۰و۳۰۰و۱۰۰۰و
۲۰۰۰و۳۰۰۰و۵۰۰۰و۵۰۰۰۰و۱۰۰۰۰۰

مجموع این سی عدد را حساب می کنیم. این مجموع بر نوزده بخش پذیر است. (۱۹×۸۵۳۴) = ۱۶۲۱۴۶

آیا این رابطه می تواند تصادفی باشد؟ آیا باز هم می توان گفت که نوزده بازی ریاضی است؟ در واقع اگر خدای مهربان به جای ۳۰۹ از ۳۰۰ و ۹ استفاده نمی کرد، رابطه بالا بر ۱۹ بخش پذیر نبود. این آیه در سوره ۱۸ است یعنی سوره کهف. خیلی جالب است که در این سوره کلا ۱۹ عدد به کار رفته است.

ردیف	شماره آیه در سوره کهف	عدد بکار رفته	عبارت عربی عدد
۱	۱۹	**۱**	احد
۲	۱۹	**۱**	احدا
۳	۲۲	**۳**	ثلثه
۴	۲۲	**۴**	رابع
۵	۲۲	**۵**	خمسه
۶	۲۲	**۶**	سادس
۷	۲۲	**۷**	سبعه

۸	۲۲	۸	ثامن
۹	۲۲	۱	احدا
۱۰	۲۵	۳۰۰	ثلثه مائه
۱۱	۲۵	۹	تسعا
۱۲	۲۶	۱	احدا
۱۳	۳۲	۱	احد
۱۴	۳۸	۱	احدا
۱۵	۴۲	۱	احدا
۱۶	۴۷	۱	احدا
۱۷	۴۹	۱	احدا
۱۸	۱۱۰	۱	واحد
۱۹	۱۱۰	۱	احدا

الله اکبر! چقدر آرامش دهنده است، روابط جاسازی شده در قرآن؛ زیـرا نشـانه و آیـت خداسـت. تنهـا کسی که با تعصبات قومی و فرقه ای خو گرفته باشد، می تواند براحتی از کنار این روابـط بگـذرد. آ یـا با این عبارات ساده نمیتوان نتیجه گرفت که سیستم خارق العاده ای بر قرآن حاکم است. اگـر کسـی بگوید که نه این هم شانسی است و در کتابهای دیگر همچنین رابطه هایی یافت میشود؛ بهتـر اسـت بجای حرف و ادعا، نمونه اش را ذکر کند تا که خیال خود و هم کیشان خویش را راحت کند. خدا می فرماید: اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل

کردیم شک دارید، پس یـک سـورهماننـد اینهـا ارائـه دهیـد و شاهدان خود را علیه خدا فرا خوانید، اگر راست می گویید.

چندین سال بعد از مرگ پیامبر مسیح ، مردم احتیاج به نشانه ای از طرف خدا پیدا کردند ؛ نشـانه ای کـه دوباره خدا را به یاد آنان بیاورد ؛ نشانه ای که دوباره به مردم یادآوری کند که خدا همیشه زنده اسـت و از حال همه باخبر است ؛ به همین خاطر، خدا نشانه ای را از قبل آماده کرده بود . خـدا سیصـد سـال قبلتـر مقدمات نشانه را فراهم کرده بود. او یاران غار را ۳۰۰ سال قبل در غار کهف به خواب برده بود و درسـت بعد از سیصد سال آنان را زنده کرده بود . این جریان مثل جرقه ای مردم را از خواب بیدار کرد. خدا یـک معجزه زنده به آنان نشان داد . زمانی که یاران غار از خواب بیدار شدند ، بعضـی از مـردم آنـان را مسـخره می کردند . بعضی هم ایمان آوردند. کسانی که به خدا ایمان داشتند، با دیدن معجزه اصحاب کهف، شـور و شعف و هیجان زیادی داشته اند و این مایه دلگرمی ایمانداران بوده است. خدا معجزه ریاضـی نـوزده را ۱۴۰۰ سال قبل برای نسل کامپیوتر فراهم کرد و آن را در قرآن جاسازی کـرد تـا ایمـان آنـان را محکـم کند و سره را از ناسره جدا سازد.

وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿۵۳﴾

و چون بر ایشان فرو خوانده می شود می گویند بدان ایمان آوردیم که آن درست است [و] از طرف پروردگار ماست ما پیش از آن [هم] از تسلیم‌شوندگان بودیم (۵۳)

روابط ریاضی قرآن از خیلی ساده تا خیلی پیچیده درجه بندی میشوند. ساده ترین روابط بدون نیاز به کامپیوتر قابل درک است . اما تعدادی از روابط هم بدون کامپیوتر قابل محاسبه نیست. ما اینجا روابط ساده ای را می آوریم که برای هر کسی قابل درک است.

اولین آیه قرآن یعنی (۱:۱) معروف به "بسم الله" دارای ۱۹ حرف است. بسم الله الرحمن الرحیم

	ب س م	ا ل ل ه	ا ل ر ح م ن	ا ل ر ح ی م
تعداد حروف	۳	۴	۶	۶

- **قرآن دارای ۱۱۴ سوره است. ۱۱۴ یعنی ۱۹×۶**
- **تعداد کل آیه های قرآن ۶۳۴۶ آیه است. ۶۳۴۶ یعنی ۱۹×۳۳۴**

(تعداد کل آیه های شماره گذاری شده قرآن ۶۲۳۴ است. تعداد بسم الله های بدون شماره هـم ۱۱۲ است.)

۶۲۳۴+۱۱۲ = ۶۳۴۶ = ۱۹ ×۳۳۴ در ضمن باید مد نظر داشت که ۶+۳+۴+۶ = ۱۹ است.

- **با توجه به اینکه سوره شماره ۹ بدون بسم الله است، اما سـوره ۲۷ دارای دو بسـم الله اسـت. بـه این طریق تعداد بسم الله های قرآن ۱۱۴ عدد است. ۱۱۴=۱۹×۶**

- **از سوره نه که دارای بسم الله نیست تا سوره ۲۷ که دو بسم الله دارد، دقیقا ۱۹ سوره قرار گرفتـه است.**

- **در مورد رابطه بالایی، اگر شماره سوره ها را از سوره ۹ تا سوره ۲۷ با هـم جمـع کنـیم، مجمـوع اعداد ۳۴۲ خواهد شد.**

۱۸×۱۹=۳۴۲

۹+۱۰+۱۱+۱۲+۱۳+۱۴+۱۵+۱۶+۱۷+۱۸+۱۹+۲۰+۲۱+۲۲+۲۳ +۲۴+۲۵+۲۶+۲۷=۳۴۲

- **بسیار جالب است که تعداد کلمات عربی در سوره ۲۷ از اولین بسم الله تـا دومـین بسـم الله ۳۴۲ کلمه است. ۳۴۲ هم یعنی ۱۹×۱۸**

- **اولین آیاتی که بر پیامبر محمد نازل شد، آیات یک تا پنج سوره علق (سوره ۹۶) بـود. ایـن پـنج آیه جمعا شامل نوزده کلمه است.**
- **این پنج آیه از ۷۶ حرف تشکیل شده است. ۷۶ یعنی ۱۹×۴**
- **سوره علق که اولین سوره نازل شده است، دارای ۱۹ آیه است.**
- **سوره علق (سوره ۹۶) از آخر قرآن نوزدهمین سوره است.**
- **سوره علق از ۳۰۴ حرف تشکیل شده است. ۳۰۴ هم یعنی ۱۹×۱۶**
- **آخرین سوره ای که بر پیامبر محمد نازل شد سـوره نصـر (سـوره ۱۱۰) اسـت. ایـن سـوره از ۱۹ کلمه تشکیل شده است.**
- **اولین آیه سوره نصر (۱۱۰:۱) از ۱۹ حرف تشکیل شده است.**
- **دومین مجموعه آیاتی که بر پیامبر محمد نازل شد سوره قلم (سوره شماره ۶۸ آیات ۱ تـا ۹) بـود. این نه آیه دارای ۳۸ کلمه اند. ۳۸ یعنی ۱۹×۲**
- **سومین مجموعه آیاتی که بر پیامبر محمد نازل شد آیات یک تـا ده سـوره شـماره ۷۳ بـود. ایـن مجموعه آیات دارای ۵۷ کلمه اند. ۵۷ یعنی ۱۹×۳**

- **چهارمین مجموعه آیاتی که بر پیامبر محمد نازل شد، آیات یک تا سی سوره مدثر بود که دقیقا آیه ۳۰ ام این سوره در مورد عدد ۱۹ ذکر شده است.**

- **پنجمین مجموعه آیات نازل شده، سوره فاتحه است که تعداد حروف اولین آیه اش نوزده است.**

- **جمله بسم الله الرحمن الرحیم اولین آیه قرآن است. این آیه از چهار کلمه تشکیل شده است. اولین کلمه آن "اسم" است که دقیقا ۱۹ بار در قرآن ذکر شده است. ۱۹ یعنی ۱۹×۱**

- **دومین کلمه آن "الله" است که تعداد کل آن در قرآن ۲۶۹۸ است. ۲۶۹۸ یعنی ۱۹×۱۴۲**

- **سومین کلمه آن "الرحمن" است که تعداد کل آن در قرآن ۵۷ است. ۵۷ یعنی ۱۹×۳**

- **سومین کلمه آن "الرحیم" است که تعداد کل آن در قرآن ۱۱۴ است. ۱۱۴ یعنی ۱۹×۶**

- **اگر ضرایب تقسیم بر نوزده چهار کلمه بسم الله الرحمن الرحیم را با هم جمع کنیم، خواهیم داشت:**

۸×۱۹ =۱۵۲ = ۶+۳+۱۴۲+۱

- در کل تمام اسامی و صفات خدا که در قرآن ذکر شده است، مقـدار ابجـد فقـط چهـار اسـم بـر نوزده بخش پذیر است.

واحد با مقدار ابجد نوزده

ذوالفضل العظیم با مقدار ابجد ۲۶۹۸ (۲۶۹۸=۱۹×۱۴۲)

مجید با مقدار ابجد ۵۷ (۵۷ = ۱۹×۳)

جامع با مقدار ابجد ۱۱۴ (۱۱۴=۱۹×۶)

همانطور که می بینید مقدار ابجد چهار صفت خدا که در بالا ذکـر شـد (۱۹ – ۲۶۹۸ – ۵۷ – ۱۱۴) دقیقا به اندازه تعداد تکرار چهار کلمه عبارت بسم الله الرحمن الرحیم می باشد.

- ۱۴ حرف عربی به عنوان حروف مقطعه در قرآن آمـده اسـت کـه در بـالا ذکـر شـد. اگـر تعـداد فرمهای مختلف استفاده شده را بشماریم بازهم چهارده فرم وجود دارد، چهـارده فـرم موجـود در قرآن:

الم – الر – المر – المص – کهیعص – ص – طه – طس – طسم – یس – حم – عسق – ق – نون

این چهارده فرم در اوایل ۲۹ سوره قرآن آمده است. اگر این سه عدد (۱۴+۱۴+۲۹) را با هم جمع کنیم حاصل ۵۷ خواهد بود. ۵۷ هم یعنی ۱۹×۳

- حال اگر شماره سوره هایی را که حروف مقطعه در اوایل آنان ذکر شده است را با هم جمع کنیم (۲+۳+۷+...+۵۰+۶۸ = ۸۲۲)، حاصل ۸۲۲ خواهد بود. اگر ۸۲۲ را با تعداد کل حروف مقطعه یعنی ۱۴ جمع کنیم، حاصل ۸۳۶ خواهد بود. ۸۳۶ هم یعنی ۱۹×۴۴
- بین اولین سوره مقطعه (سوره ۲) و آخرین سوره مقطعه (سوره ۶۸) دقیقا ۳۸ سوره غیرمقطعه وجود دارد. ۳۸ هم یعنی ۱۹×۲
- مثلا یکی از سوره ها که با حروف مقطعه شروع شده است، سوره ۵۰ است. این سوره با حرف "ق" شروع شده است. جالب است که تعداد "ق" در این سوره ۵۷ عدد است. ۵۷ یعنی ۱۹×۳
- یکی دیگر از سوره ها که دارای حرف مقطعه "ق" است سوره ۴۲ است. جالب است که این سوره هم دارای ۵۷ حرف "ق" است. ۵۷ یعنی ۱۹×۳

- تعداد حرف "ق" در دوسوره ۴۲ و ۵۰ جمعا ۱۱۴ است. ۱۱۴ تعداد سوره های قرآن هم است. از اینجا متوجه می شویم که حرف ق نشانگر قرآن است. اگر یکی از کلمات قرآن که دارای ق است در این دو سوره حذف شده باشد، تعداد قاف ها به هم می خورد. در سوره ۵۰ بعد از حرف قاف از قرآن به عنوان مجید نام برده شده است (قرآن مجید). اگر مقدار ابجد کلمه مجید را محاسبه کنیم، دقیقا عدد ۵۷ را بدست خواهیم آورد. این باز هم ثابت می کند که حرف قاف نشانگر قرآن مجید است.

- سوره ۶۸ با حرف مقطعه نون شروع میشود. تعداد حرف "ن" در سوره ۶۸ دقیقا ۱۳۳ است. ۱۳۳ هم یعنی ۱۹×۷

- کلمه واحد در عربی دارای مقدار ابجد نوزده است. در واقع نوزده برای یک هدف در قرآن جای داده شده است و آن هم اثبات پیام یکتایی خداست.

این روابط جزو روابط ساده اند. کسانی که اینها را بازی ریاضی بحساب میآورند؛ میخواهند بگویند که خدا در قرار دادن این روابط در قرآن؛ کار عبثی انجام داده است. آنها فکر میکنند که در قرن حاضر بدون پیام خدا هدایت امکان پذیر است. بدون راهنمایی های خدا، هدایت امکان پذیر نیست. خدا میداند که قرن ۲۱ به چنین معجزه ای نیاز دارد و به

همین خاطر این معجزات را در قرن ۲۱ آشکار نمود. متاسفانه کسانی که در قرنهای قبلی زندگی میکنند و از استایل زندگی گذشتگان تقلید میکنند؛ احساس میکنند به معجزه قرن حاضر نیاز ندارند و آن را بدعت میدانند. ولی خدا هر ملتی را برای قرنی که در آن متولد میشود؛ آفریده است و آن ملت باید خود را با آن قرن هماهنگ کند. آزمایش خدا همین است و باید مردم خودخواهی های خویش را از بین ببرند و یک سری اصول بدیهی را بپذیرند. ما باید هدف نهائی معجزات ریاضی را بدانیم و درک کنیم و آن را مهر تایید بگذاریم و مثل ساحران زمان موسی، دل از دیگر جادوها بکنیم و به معجزه و نشانه قرن حاضر خدا رو بیاوریم و ایمان خود را محکم کنیم. خدا یک ریسمان محکم برای هر قرنی دارد که اگر به آن ریسمان چنگ نیندازید، منحرف خواهید شد. حالت سومی وجود ندارد.

مراجعه به مقاله کامل